

مطالعات امنیتی ایرانی؛ امکان‌سنجی پیدایش نظری و تکوین مفهومی

رضا خلیلی*

چکیده

با وجود اینکه مطالعات امنیتی در ایران، طی دوران کوتاه شکل‌گیری و حیات خود، فراز و نشیب‌های بسیاری را تجربه کرده و هنوز هم ضرورت‌های توسعه کمی و کیفی این حوزه غیرقابل انکار است، اما به هر حال، مطالعات امنیتی در ایران، در شرایط کنونی، به مرحله‌ای از تکوین رسیده که ضرورت توجه به مطالعات امنیتی ایرانی به عنوان رویکرد بومی را اجتناب‌ناپذیر ساخته و تلاش‌های مختلفی را برای دستیابی به این مهم دامن زده است. در این مقاله، ضمن تفکیک «مطالعات امنیتی ایرانی» از «مطالعات امنیتی در ایران»، ابتدا به چیستی و نسبت این دو مقوله پرداخته شده و ویژگی‌های آنها با توجه به مطالعات امنیتی غربی (و در غرب) مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس، امکان یا امتناع پیدایش و تکوین مطالعات امنیتی ایرانی بر اساس شرایط بیرونی (مطالعات امنیتی غربی) و منطق درونی (مطالعات امنیتی در ایران) تحلیل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مطالعات امنیتی ایرانی، مطالعات امنیتی در ایران، مطالعات امنیتی غربی، مطالعات امنیتی در غرب

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی در دانشگاه جواهر لعل نهرو در هند، محقق گروه مطالعات پایه و روش‌شناسی و عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی.

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال یازدهم • شماره چهارم • زمستان ۱۳۸۷ • شماره مسلسل ۴۲

مقدمه

با وجود اینکه مطالعات امنیتی در ایران از پیشینه تاریخی طولانی برخوردار نیست و هنوز به عنوان حوزه‌ای «وابسته» یا حداکثر «در حال توسعه» محسوب می‌شود که تکامل آن مستلزم بلوغ مفهومی، نظری و روشی است، اما در ادبیات موجود مطالعات امنیتی در ایران، با گزاره‌ها و عناوینی چون «رویکرد ایرانی به امنیت»، «نظریه بومی امنیت»، «نظریه اسلامی امنیت»، «نظریه امنیتی جمهوری اسلامی ایران» و مانند آن مواجه می‌شویم که از یک سو، حکایت از عدم تناسب و تطابق مطالعات امنیتی موجود با مسائل و مشکلات جامعه ایران و الزامات نظری توجه به رویکرد بومی دارد و از سوی دیگر، ضرورت بررسی امکان پیدایش یا حداقل طرح پیدایش و تکوین مطالعات امنیتی ایرانی را ایجاب می‌کند.

در واقع، چند مقوله متفاوت، اما کاملاً مرتبط با یکدیگر باید مورد بررسی قرار گیرد تا دریابیم چرا سخن از مطالعات امنیتی بومی (ایرانی) به میان می‌آید و چگونه می‌توان آن را به فرجامی قابل قبول رساند. نخستین مقوله قابل بحث، نسبت مطالعات امنیتی در ایران با مطالعات امنیتی ایرانی است. مطالعات امنیتی در ایران شامل مجموعه‌ای از آثار تألیفی و عمدتاً ترجمه‌ای است که با محوریت امنیت و مسائل امنیتی در کشور به رشته تحریر درآمده‌اند. این مجموعه آثار، در واقع، گستره‌ای فراتر از مطالعات امنیتی ایرانی دارند و تمامی مطالب مربوط به «امنیت»، خواه درباره ایران و حتی غیر آن را شامل می‌شوند، در حالی که مطالعات امنیتی ایرانی، ناظر بر اندیشه‌ای بومی و مختص جامعه ایران است که در شرایط حاضر موضوعیت چندانی ندارد و هنوز اندیشه‌ای بومی که شایسته اطلاق این عنوان باشد، شکل نگرفته است.

با تعریفی که از مطالعات امنیتی در ایران و مطالعات امنیتی ایرانی صورت گرفت، رابطه این دو حوزه را می‌توان رابطه عموم و خصوص منطقی دانست که در این صورت، پیدایش و توسعه مطالعات امنیتی ایرانی به عنوان حوزه خاص، تابعی از توسعه مطالعات امنیتی در ایران به عنوان حوزه عام است. به عبارت دیگر، عوامل و موانع پیدایش و توسعه مطالعات امنیتی ایرانی را باید در گرو عوامل و موانع توسعه مطالعات امنیتی در ایران دانست که مهم‌ترین آنها به دلیل نوع رابطه‌ای که میان این حوزه مطالعاتی با حوزه مطالعات امنیتی در غرب وجود دارد، مسأله «وابستگی» مطالعات امنیتی در ایران است.

البته، وابستگی مطالعات امنیتی در ایران، مقوله کلی است که باید به دقت بررسی شود. با توجه به اینکه مطالعات امنیتی در ایران در چارچوب ادبیات موجود مطالعات امنیتی در غرب شکل گرفته و این حوزه مطالعاتی در غرب از دو مشکل عمده یعنی وابستگی مفهومی و علمی رنج می‌برد (۱)، طبعاً مطالعات امنیتی در ایران نیز گرفتار در این حلقه‌های وابستگی است که باید به آنها پرداخته شود، اما آنچه در اینجا مهم‌تر و قابل توجه‌تر است، نه وابستگی مفهومی و علمی، بلکه «وابستگی فکری» است که هم الزامات نظری توجه به مطالعات امنیتی ایرانی را معنادار کرده و هم با بررسی و شناخت آن می‌توان از امکان یا امتناع پیدایش و تکوین این حوزه مطالعاتی آگاهی یافت.

در واقع، مطالعات امنیتی در ایران بازتاب ناقص مطالعات امنیتی در غرب است که حتی اگر موضوع آن هم تأمین امنیت ایران باشد، هدفش تأمین امنیت غرب است. این حوزه مطالعاتی، به باور بسیاری از صاحب‌نظران، حتی غربی، با مسائل و مشکلات جوامعی مانند ایران ناسازگار است و نمی‌توان بر اساس آن به الگویی از مدیریت امنیت ملی دست یافت که منطبق با اصول و اهداف، ارزش‌ها و هنجارها و حتی منافع و مصالح جمهوری اسلامی باشد. البته مطالعات امنیتی در غرب پدیده‌ای ثابت و غیرقابل تغییر نبوده و هرچند این حوزه مطالعاتی از ویژگی‌های دوران پیدایش خود (یعنی دوران جنگ سرد) فاصله گرفته است، اما هدف آن، هنوز هم «امنیت غرب» است. به همین دلیل، امروزه نه تنها برای ایران، بلکه برای دیگر کشورهای غیرغربی نیز ضروری شده است که از مطالعات امنیتی غرب‌محور فاصله گرفته و به دنبال بررسی تحولات امنیتی‌شان در چارچوب حوزه مطالعاتی خاص خود باشند. به عبارت دیگر، فاصله‌گرفتن از وابستگی فکری یا انطباق با مطالعات امنیتی غرب‌محور، امروزه به عنوان الزام نظری شناخته می‌شود (۲) که به تبع آن، زمینه برای بررسی امکان پیدایش و تکوین مطالعات امنیتی ایرانی فراهم می‌شود.

الزام نظری که به عنوان مقوله سوم مطرح شد، در واقع، وجه سلبی فاصله‌گیری از مطالعات امنیتی غرب‌محور است و برای اینکه در کنار این وجه سلبی به وجه ایجابی و تأسیسی موضوع هم توجه شود، لازم است به امکان‌سنجی پیدایش مطالعات امنیتی ایرانی نیز پرداخته شود. به عبارت دیگر، پرسش از امکان پیدایش و تکوین مطالعات امنیتی ایرانی، از یک سو در

ذیل پاسخ به پرسش از الزامات نظری فاصله‌گیری از مطالعات امنیتی غرب‌محور و حتی از درون این حوزه مطالعاتی و از سوی دیگر، با عنایت به توانمندی‌ها و امکانات مطالعات امنیتی در ایران معنا می‌یابد و طبعاً مطالعات امنیتی ایرانی، به عنوان پدیده و هستی متفاوت که نتیجه تحول در هر دو حوزه مطالعات امنیتی در غرب و در ایران است، الزامات معرفتی و روشی خاص خود را در پی خواهد داشت. بنابراین، مسأله اساسی نوشتار حاضر، بررسی امکان پیدایش و تکوین مطالعات امنیتی ایرانی از درون مطالعات امنیتی در غرب از یک سو و از بطن مطالعات امنیتی در ایران، از سوی دیگر است. لازمه بررسی این مسأله، پرداختن به چیستی و نسبت مطالعات امنیتی در ایران و مطالعات امنیتی ایرانی، نسبت مطالعات امنیتی در ایران و مطالعات امنیتی غرب‌محور، ویژگی‌های مطالعات امنیتی غرب‌محور (در ایران) و توجه به امکان یا امتناع پیدایش و تکوین مطالعات امنیتی ایرانی است.

مطالعات امنیتی ایرانی و مطالعات امنیتی در ایران

سخن گفتن از مطالعات امنیتی ایرانی بدون داشتن تعریفی مشخص یا حداقل بدون شناخت مرزهای آن (حتی به صورت قراردادی)، ممکن نیست. در واقع، وقتی سخن از مطالعات امنیتی ایرانی به میان می‌آید، در درجه اول باید مشخص شود منظور از این اصطلاح چیست و با چه ملاک و معیاری می‌توان این مقوله را از مقولات دیگری چون «مطالعات امنیتی در ایران»، «مطالعات امنیتی اسلامی»، «نظریه امنیتی جمهوری اسلامی ایران» و مانند آن متمایز کرد. البته، همواره باید توجه داشت که این چیستی و نسبت، در ارتباط با یکدیگر معنادار هستند و شاید نتوان تعریف مطالعات امنیتی ایرانی را جز با تعیین مرزهای آن با حوزه‌های مطالعاتی دیگر و از جمله با مطالعات امنیتی در ایران مشخص کرد. در عین حال، چون شناسایی حدود و ثغور مطالعات امنیتی ایرانی از اهمیت و اولویت بیشتری در این نوشتار برخوردار است، ابتدا بر اساس ملاک‌ها و معیارهایی، به چیستی این مقوله پرداخته می‌شود و سپس، بر اساس همین ملاک‌ها و معیارها، نسبت آن با حوزه‌های مطالعاتی مرتبط ترسیم می‌گردد.

چیستی مطالعات امنیتی ایرانی و مطالعات امنیتی در ایران

هرچند مطالعات امنیتی در ایران حوزه‌ای نوپا و جدید است و برخلاف مفهوم امنیت که قدمتی به اندازه تاریخ مردمان این سرزمین داشته، حداکثر از چند دهه اخیر در دست‌ورکار پژوهشگران قرار گرفته است (۳)، اما در شرایط موجود با حجم قابل توجهی از آثار تألیفی و ترجمه‌ای که با محوریت امنیت و مسائل امنیتی در کشور به رشته تحریر درآمده‌اند مواجه هستیم که در گام اول بحث از مطالعات امنیتی ایرانی، باید نسبت آن را با ادبیات مطالعات امنیتی موجود در کشور مشخص کنیم.

در واقع، وقتی سخن از مطالعات امنیتی ایرانی به میان می‌آید، ابتدا باید دریابیم آیا این حوزه مطالعاتی همان حوزه مطالعاتی شکل‌گرفته در چند دهه اخیر در کشور می‌باشد یا متفاوت از آن است؟ البته، شاید پاسخ این پرسش برای همگان بدیهی باشد که همانند تفاوت میان تاریخ مفهوم امنیت و تاریخ مطالعات امنیتی در ایران، میان ادبیات مطالعات امنیتی موجود در کشور و مطالعات امنیتی ایرانی نیز تفاوت وجود دارد، اما مسلماً این نکته هم بدیهی است که در عین تفاوت میان مقولات مذکور، ارتباط آنها را نمی‌توان نادیده انگاشت؛ چرا که شناخت مرزهای تفاوت این مقولات، کاملاً در گرو مرزهای ارتباط آنهاست.

برای روشن‌شدن مرزهای تفاوت و ارتباط میان مطالعات امنیتی موجود در کشور و مطالعات امنیتی ایرانی، اولی را «مطالعات امنیتی در ایران» خطاب می‌کنیم و به کمک معیارهایی به ترسیم مرزهای تفاوت و ارتباط آن با مقوله دوم یا «مطالعات امنیتی ایرانی» پرداخته می‌شود. مطالعات امنیتی در ایران شامل مجموعه‌ای از آثار تألیفی و ترجمه‌ای است که با محوریت امنیت و مسائل امنیتی در کشور به رشته تحریر درآمده‌اند. بر مبنای این تعریف، مطالعات امنیتی در ایران بر مبنای جغرافیایی، زبانی، تابعیت ایرانی پژوهش‌گران و موضوع مطالعه، از مطالعات امنیتی در دیگر کشورها و مناطق دنیا متمایز می‌شود و اگر این معیارها را لحاظ نکنیم طبعاً میان مطالعات امنیتی در ایران و مطالعات امنیتی در آمریکا، روسیه، چین و دیگر کشورها تفاوت دیگری به چشم نمی‌خورد. در واقع، وجه تمایز مطالعات امنیتی در ایران با مطالعات امنیتی دیگر کشورها، ممکن است مبنایی جغرافیایی، زبانی، تابعیتی یا موضوعی باشد، اما آیا با

این معیارها می‌توان تفاوت میان مطالعات امنیتی در ایران با مطالعات امنیتی ایرانی و همچنین تفاوت مقوله اخیر را با مطالعات امنیتی غربی نیز مشخص کرد؟

البته در بحث از مطالعات امنیتی در ایران نباید آن را مقوله ثابت و متصلب فرض کرد؛ چرا که مطالعات امنیتی در ایران، از زمان شکل‌گیری تا کنون، تحولاتی را پشت سر گذاشته که شاید بتوان با اوصافی چون «عقب‌ماندگی»، «وابستگی» و «در حال توسعه» آنها را توصیف کرد. در بدو شکل‌گیری مطالعات امنیتی در ایران، این حوزه بسیار محدود و عقب‌مانده بود و مراکز علمی و پژوهشی کشور توجه لازم را به آن نداشتند. در واقع، غفلت مراکز علمی و پژوهشی از مطالعه امنیت که تقریباً تا اواسط دهه ۱۳۷۰ کاملاً مشهود بود، بهترین معنا و دلالت برای عقب‌ماندگی مطالعات امنیتی در ایران است:

«... تا نیمه دهه ۷۰ کمتر مؤسسه یا مرکزی را می‌توان سراغ گرفت که با رسالت امنیت‌پژوهی به جمع‌آوری مدارک و اسناد، جذب محققان و کارشناسان علمی- عملی، تحلیل دیدگاه‌های رایج در جهان غرب و در نهایت تولید و عرضه متون به شکل منظم و منسجم پرداخته باشد.» (۴)

این وضعیت با شکل‌گیری مراکز پژوهشی که مطالعه امنیت را در دستورکار خود قرار دادند، تغییر یافت و به سرعت حجم قابل توجهی از آثار ترجمه‌ای و تألیفی در باب امنیت به زبان فارسی در کشور منتشر شد که مشکل عقب‌ماندگی تفکر در باب امنیت را حل می‌کرد. با وجود این، چون اغلب این آثار به لحاظ هدف مطالعه و حتی به لحاظ موضوعی هیچ تفاوتی با مطالعات امنیتی در غرب نداشتند، نمی‌توان آنها را مطالعات امنیتی ایرانی خواند:

«با حساس‌شدن جامعه علمی نسبت به کمبود نظری و نیاز شدید دستگاه حکومتی به اقبال به این حوزه پژوهشی است که شاهد فعال‌شدن دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در این زمینه هستیم. انتشار صدها عنوان کتاب، مقاله و پایان‌نامه دانشجویی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری، برگزاری دهها همایش ملی و بین‌المللی و نشست‌های علمی- تحلیلی در ارتباط با شناخت «امنیت» از جمله ثمرات نیکوی این عزم ملی است که در کمتر از پنج سال به ثمر نشست و در نتیجه، ضریب آگاهی از امنیت را در جامعه علمی- عملی

ایران به میزان چشمگیری افزایش می‌دهد؛ به گونه‌ای که امروزه می‌توان از وجود حجم قابل قبولی از متون در باب امنیت به زبان فارسی سخن گفت. با این حال نباید این مطلب را نادیده انگاشت که بیشتر این متون به انعکاس دیدگاه‌های تحلیل‌گران غربی اختصاص دارد و «غیربومی» می‌باشند. (۵)

در واقع، متون امنیتی مذکور از یک نقیصه عمده رنج می‌برند و آن «وابستگی» به مطالعات امنیتی غربی است. به عبارت دیگر، به‌رغم اینکه متون امنیتی موجود در کشور، در محدوده جغرافیایی ایران، به زبان رسمی کشور یعنی فارسی، توسط محققان ایرانی و حتی در برخی موارد با قرارداددن ایران در کانون موضوع مطالعه خود به رشته تحریر درآمده‌اند، اما این متون را صرفاً می‌توان مطالعات امنیتی در ایران قلمداد کرد، نه مطالعات امنیتی ایرانی؛ زیرا مطالعات امنیتی ایرانی مبنایی غیر از جغرافیا، زبان، تابعیت محققان و حتی موضوع مطالعه دارد و در ارتباطی تنگاتنگ با مرحله «در حال توسعه» مطالعات امنیتی در ایران است. به عبارت دیگر، مطالعات امنیتی ایرانی مبنایی جغرافیایی، زبانی، تابعیتی و حتی موضوعی ندارد و هیچ‌یک از این معیارها به صورت جداگانه یا حتی در کنار همدیگر، نمی‌توانند چستی مطالعات امنیتی ایرانی را نشان دهند.

اگر مبنای جغرافیایی مد نظر قرار گیرد، اولاً مطالعات امنیتی در ایران با مطالعات امنیتی در دیگر کشورها هیچ تفاوت ماهوی ندارد و دیگر نیازی به افزودن پسوند ایرانی نیست. ثانیاً مطالعات امنیتی که در خارج از مرزهای جغرافیایی ایران، اما با موضوع قرارداددن تحولات امنیتی ایران صورت می‌گیرد را نیز، بر این اساس، نمی‌توان ایرانی دانست. اگر معیار زبانی مورد توجه قرار گیرد، مشخص نیست مطالعات امنیتی که با زبان غیر فارسی در ایران یا با زبان فارسی، اما در محدوده جغرافیایی غیر از ایران صورت می‌گیرد را چه باید نامید. اگر تابعیت پژوهش‌گران مورد توجه قرار گیرد نیز همین مشکل پیش می‌آید (۶)، یعنی اثر پژوهش‌گران غیر ایرانی درباره تحولات امنیتی ایران و یا حتی اثر پژوهش‌گران ایرانی درباره تحولات امنیتی دیگر کشورها از دایره شمول بحث خارج می‌شود.

شاید «موضوع مطالعه»، ملاک فراگیرتری برای شناخت مرزهای مطالعات امنیتی ایرانی، نسبت به سه معیار دیگر باشد، اما بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد حتی با این معیار هم نمی‌توان

حدود و ثغور مطالعات امنیتی ایرانی را مشخص کرد؛ چرا که در این صورت، معلوم نیست مطالعاتی که موضوع آنها ایران است، اما با هدف تأمین امنیت غرب صورت گرفته‌اند و یا مطالعاتی که موضوع آنها ایران نیست، اما با هدف تأمین امنیت ایران انجام شده‌اند، چه جایگاهی می‌یابند و با چه پسوندی می‌توان آنها را مورد خطاب قرار داد.

در واقع، براساس معیارهای جغرافیا، زبان، تابعیت محققان و موضوع مطالعه، با حجم انبوهی از مطالعات امنیتی در کشور یا حتی در خارج از کشور مواجه می‌شویم که هیچ‌کدام از آنها را نمی‌توان مطالعات امنیتی ایرانی به حساب آورد و اگر مطالعات امنیتی با موضوع ایران، اما در خارج از کشور را هم نادیده بگیریم، آنچه باقی می‌ماند چیزی جز مطالعات امنیتی در ایران نیست. بنابراین، برای تمیز مطالعات امنیتی ایرانی از غیر آن، باید به دنبال معیارهایی غیر از چهار معیار ذکر شده بود.

«سبک یا شیوه مطالعه» معیار دیگری است که می‌تواند بدین منظور به کار گرفته شود، اما باید بینیم این معیار تا چه حد می‌تواند از عهده تبیین چیستی مطالعات امنیتی ایرانی برآید. بر اساس این معیار، در واقع، باید به دنبال سبک مشخص به عنوان خصیصه مطالعات امنیتی بود که دلالت بر ایرانی بودن آن داشته باشد. به بیان دیگر، همان‌گونه که معماری ایرانی، هنر ایرانی و فرهنگ ایرانی، از خصایصی برخوردارند که آنها را از معماری‌ها، هنرها و فرهنگ‌های غیرایرانی متمایز می‌کند، باید بینیم چه خصیصه ویژه‌ای در مطالعات امنیتی می‌تواند دلالت بر ایرانی بودن آن داشته باشد.

این معیار نسبت به معیارهای پیشین ممکن است دقت بیشتری داشته باشد و بر اساس اینکه پژوهش‌گران مختلف (اعم از ایرانی و غیرایرانی) در بررسی هر پدیده امنیتی (اعم از ایرانی و غیرایرانی) از روش مطالعه خاص برخوردار باشند یا حتی پاسخی مشترک به یک پرسش یا پرسش‌های مختلف بدهند که از فرهنگ و خصایص فرهنگی ایرانی نشأت گرفته باشد، شاید بتوان به تمایز میان مطالعات امنیتی ایرانی از غیرایرانی رسید. در عین حال، در بررسی این معیار، باید توجه داشت چنین سبک مطالعه‌ای که حکایت از «مکتب» خاص دارد، هنوز شکل نگرفته و حتی در صورت امکان پیدایش، به لحاظ منطقی، شکل‌گیری آن مؤخر بر شکل‌گیری مطالعات امنیتی ایرانی است.

به عبارت دیگر، در ارزیابی این معیار باید توجه داشت که میان مطالعات امنیتی ایرانی و نظریه امنیتی ایرانی (به عنوان مکتب) تفاوت وجود دارد و مکتب امنیتی خود حاصل مطالعات

امنیتی ایرانی است. بنابراین، هرچند این معیار نسبت به معیارهای پیشین از قابلیت بیشتری برای تبیین ایرانی بودن مطالعات امنیتی برخوردار است، اما در عمل، چنین معیاری را قبل از شکل‌گیری مطالعات امنیتی ایرانی نمی‌توان مورد توجه قرار داد.

با این اوصاف، برای شناخت مرزهای مطالعات امنیتی ایرانی باید به دنبال معیار دیگری بود که به اعتقاد نگارنده، چیزی جز «هدف مطالعه» نیست. برای اینکه مشخص شود منظور از هدف مطالعه چیست، کافی است به مرز تفاوت مطالعات امنیتی ایرانی با مطالعات امنیتی غربی توجه شود. مطالعات امنیتی غربی به این معنا نیست که جغرافیا، زبان، تابعیت محققان یا موضوع مطالعه آن غرب است، بلکه به این معناست که هدف چنین مطالعاتی تأمین امنیت غرب است. به عبارت دیگر، مطالعات امنیتی غربی، حتی اگر در غرب (جغرافیایی) صورت نگیرد، به زبان لاتین (غربی) نباشد، پژوهش‌گران آن غیرغربی باشند و حتی موضوع مطالعه آن موضوعی غیر از غرب باشد، به این دلیل که هدف مطالعه آن امنیت غرب است، مطالعات امنیتی غربی یا غرب‌محور به حساب می‌آید که البته، از حیث نظریات و مکاتب یا همان سبک‌های مطالعه، متنوع است (۷).

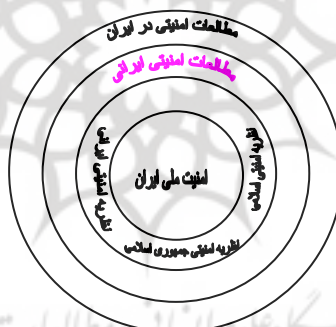
بر این اساس، مطالعات امنیتی ایرانی، حوزه مطالعاتی است که ممکن است حتی در محدوده جغرافیایی و زبانی و توسط محققان غیرایرانی یا در موضوعی غیر از تحولات امنیتی ایران صورت گرفته باشد، اما هدف آن تأمین امنیت ایران باشد. بدین ترتیب، آنچه ما امروزه در کشور تحت عنوان مطالعات امنیتی داریم، چیزی جز «مطالعات امنیتی در ایران» نیست و برای اینکه «مطالعات امنیتی ایرانی» شکل بگیرد و تکوین یابد، بایستی مطالعات امنیتی در ایران با تحول در هدف مطالعه مواجه شود که این اتفاق، با مورد ملاحظه قراردادن تجربه عینی ایران (بر اساس سنت فلسفی اثبات‌گرایی) و یا با توجه به ذهنیت ایرانی (بر اساس سنت فلسفی تاریخ‌گرایی) امکان‌پذیر است.

نسبت مطالعات امنیتی ایرانی با مطالعات امنیتی در ایران

در بررسی چیستی مطالعات امنیتی ایرانی، به مرزهای تفاوت و ارتباط این مقوله با حوزه‌های مطالعات امنیتی در ایران و حتی مطالعات امنیتی غربی اشاره شد، اما برای اینکه بتوانیم ضرورت بحث از مطالعات امنیتی ایرانی و حتی امکان‌سنجی پیدایش و تکوین آن را

بهتر دریابیم، لازم است نسبت این حوزه مطالعاتی با دیگر حوزه‌های مطالعاتی مورد توجه دقیق‌تر قرار گیرد.

در ادبیات موجود مطالعات امنیتی در کشور، گاه از تعبیری چون «نظریه امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، «نظریه امنیتی ایرانی»، «نظریه امنیتی اسلامی» و مانند آن سخن به میان می‌آید (۸) که لازم است در اینجا نسبت هر کدام را با مطالعات امنیتی ایرانی روشن کنیم. وقتی سخن از مطالعات امنیتی ایرانی به میان می‌آید، باید به این نکته توجه داشت که «حوزه مطالعاتی» با «نظریه» و «مکتب» متفاوت است؛ زیرا نظریه و مکتب، کانون‌هایی خاص در درون یک حوزه مطالعاتی هستند. به عبارت دیگر، نه تنها مطالعات امنیتی ایرانی متفاوت از نظریه امنیتی ایرانی، نظریه امنیتی اسلامی و حتی نظریه امنیتی جمهوری اسلامی ایران است، بلکه همگی این نظریات (به فرض وجود) در درون حوزه مطالعات امنیتی ایرانی می‌گنجند. با این وصف، مطالعات امنیتی ایرانی اعم از این گونه نظریات و مکاتب است، اما در عین حال، خود اخص از مطالعات امنیتی در ایران محسوب می‌شود.



شکل ۱

برای تعیین نسبت مطالعات امنیتی ایرانی با مطالعات امنیتی در ایران می‌توان از معیارهایی که برای تبیین چیستی مطالعات امنیتی ایرانی استفاده شد، بهره‌گرفت. بر اساس این معیارها، مطالعات امنیتی در ایران شامل کلیه آثاری است که در چارچوب مرزهای جغرافیایی ایران و به زبان فارسی، بدون توجه به تابعیت محققان و موضوع آنها به رشته تحریر درآمده‌اند. این مجموعه آثار، به لحاظ کمی، گستره‌ای وسیع‌تر از مطالعات امنیتی ایرانی دارند و حتی شکل‌گیری و تکوین مطالعات امنیتی ایرانی هم از درون این حوزه امکان‌پذیر است. بنابراین، نه تنها این باور که برای دستیابی به نظریه بومی امنیت یا مطالعات امنیتی ایرانی باید به جای

ترجمه به تألیف پرداخت، نادرست است، بلکه اساساً مطالعات امنیتی ایرانی به همان میزان که حوزه مطالعات امنیتی در ایران به عنوان حوزه مادر گسترش یابد، از گستردگی و عمق بیشتری برخوردار خواهد بود و هرچه شناخت ما نسبت به حوزه‌های مطالعاتی دیگر در چارچوب مطالعات امنیتی در ایران محدودتر باشد، مطالعات امنیتی ایرانی نیز محدودتر و ضعیف‌تر خواهد شد و امکان شکل‌گیری نظریه امنیتی جمهوری اسلامی نیز بعیدتر یا حداقل غیرواقع‌بینانه‌تر می‌شود.

مطالعات امنیتی در ایران و مطالعات امنیتی غربی

بررسی امکان پیدایش مطالعاتی امنیتی ایرانی، مستلزم این است که علاوه بر شناخت ویژگی‌های مطالعات امنیتی در ایران، نسبت به شناخت ویژگی‌های مطالعات امنیتی در غرب (غربی) نیز آگاهی حاصل شود؛ زیرا هم ویژگی‌های مطالعات امنیتی در ایران تابع ویژگی‌های مطالعات امنیتی غربی است و هم به واسطه شناخت و ایجاد تغییر در ویژگی‌های مطالعات امنیتی غربی است که می‌توان مطالعات امنیتی در ایران را نیز متحول کرد و بدین ترتیب، امکان پیدایش و تکوین مطالعات امنیتی ایرانی را فراهم ساخت. با عنایت به ارتباط میان ویژگی‌ها و نسبت مطالعات امنیتی در ایران و مطالعات امنیتی غربی، ابتدا به بررسی نسبت این دو مقوله با یکدیگر پرداخته می‌شود و سپس، به ویژگی‌های آنها می‌پردازیم تا مشخص شود این ویژگی‌ها، کدام الزامات نظری را برای شکل‌گیری مطالعات امنیتی ایرانی ایجاب می‌کنند و چه امکانی برای پیدایش و تکوین آن در اختیار ما می‌گذارند؟

نسبت مطالعات امنیتی در ایران و مطالعات امنیتی غربی

معیارهایی که مبنای ارزیابی مطالعات امنیتی ایرانی و نسبت آن با مطالعات امنیتی در ایران قرار گرفت، می‌تواند مبنای ارزیابی نسبت و ارتباط میان مطالعات امنیتی در ایران و مطالعات امنیتی غربی نیز قرار گیرد و حتی از این معیارها می‌توان برای ترسیم نسبت میان مطالعات امنیتی آمریکایی و مطالعات امنیتی در آمریکا، مطالعات امنیتی غربی و مطالعات امنیتی در غرب نیز استفاده کرد. همچنانکه معیار «هدف مطالعه» برای شناخت مرز ارتباط و تفاوت میان مطالعات امنیتی ایرانی و مطالعات امنیتی در ایران، از دقت بیشتری برخوردار بود، برای شناخت مرز تفاوت و ارتباط میان مطالعات امنیتی غربی و در غرب و مطالعات امنیتی

آمریکایی و در آمریکا نیز بهترین معیار است و حتی بر این اساس، می‌توان مرز تفاوت و ارتباط میان مطالعات امنیتی در ایران و مطالعات امنیتی غربی را نیز مشخص کرد. البته، در بررسی این نسبت‌ها همواره باید به سیال‌بودن حوزه‌های مطالعاتی مذکور توجه داشت و بر این باور پافشاری کرد که هیچ قاعده عام و کلی نمی‌توان در این زمینه صادر نمود، اما به هر حال، مطالعات امنیتی که امروزه با آن سرو کار داریم از حیث «هدف مطالعه» کاملاً یکدست نیست و به تناسب سهمی که غرب، آمریکا، ایران و دیگر مناطق در این میان دارند، می‌توان حدود و ثغور مرزهای هریک از این حوزه‌ها را مشخص کرد.

چنانچه بر مبنای «هدف مطالعه» به ارزیابی و تقسیم‌بندی مطالعات امنیتی در جهان بپردازیم، یک نکته مهم را به خوبی می‌توان درک کرد و آن «وابستگی فکری» مطالعات امنیتی به غرب و به ویژه آمریکاست. به عبارت دیگر، برخلاف نسبتی که میان مطالعات امنیتی ایرانی و در ایران وجود داشت که اولی زیر مجموعه دومی محسوب می‌شد، در ادبیات مطالعات امنیتی جهان، شاهد گسترده‌تر بودن حوزه مطالعات امنیتی غربی و سپس آمریکایی نسبت به حوزه مطالعات امنیتی در غرب و در آمریکا هستیم و مطالعات امنیتی غیرغربی و مطالعات امنیتی در ایران هم که در ذیل آن معنا می‌یابد، در سطوح بعدی قرار می‌گیرند:



شکل ۲

در واقع، مطالعات امنیتی در ایران در ذیل مطالعات امنیتی غیرغربی معنا می‌یابد و بنابراین، ویژگی‌هایی که در حوزه‌های مطالعاتی مافوق آن وجود دارد، در مطالعات امنیتی در ایران هم انعکاس می‌یابد. البته، برای اینکه نسبت و ویژگی‌های هر یک از این حوزه‌های مطالعاتی مشخص شود، بایستی مطالعات عمیق‌تر و گسترده‌تری صورت گیرد، اما آنچه در اینجا لازم است بیشتر مورد توجه قرار گیرد، وابستگی فکری مطالعات امنیتی در ایران است که نتیجه انعکاس ویژگی‌های مطالعات امنیتی غربی و به ویژه آمریکایی در دیگر حوزه‌های مطالعاتی و از جمله در حوزه مطالعاتی مذکور است که با بررسی سیر تکوین مطالعات امنیتی در ایران می‌توان به آن شناخت پیدا کرد.

سیر تکوین مطالعات امنیتی در ایران

هرچند آنچه امروزه به عنوان مطالعات امنیتی در ایران می‌شناسیم عمدتاً بازتاب مطالعات امنیتی است که از طریق ترجمه یا حتی تألیف متون مختلف، اما با جهت‌گیری نظری و روشی مطالعات امنیتی غربی در کشور شکل گرفته است، اما در واقع، مطالعات امنیتی در ایران نیز مانند سایر علوم، مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته تا به وضعیت کنونی رسیده است. در واقع، اگر امروزه سخن از وابستگی مطالعات امنیتی در ایران به میان می‌آید، این وابستگی صرفاً به دلیل ترجمه‌ای بودن آثاری که در این زمینه به رشته تحریر در می‌آیند نیست، بلکه مهم‌تر از آن وابستگی مفهومی و علمی امنیت به مفاهیم و حوزه‌های مطالعاتی دیگر است که در حقیقت، علت اصلی وابستگی مطالعات امنیتی در ایران به مطالعات امنیتی غربی است. به عبارت دیگر، اگر مطالعات امنیتی در ایران در حال حاضر وابسته است، این وابستگی ریشه در سیر تکوین این حوزه مطالعاتی در کشور دارد که باید با دقت آن را بررسی کرد.

برای اینکه سیر تکوین مطالعات امنیتی در ایران با دقت بیشتری بررسی شود و بتوانیم از خلال این بررسی به زمینه‌ها و ابعاد وابستگی در این حوزه دست یابیم، باید سیر تکوین مطالعات امنیتی در ایران را از نگرش فلسفی به امنیت آغاز کرد. به باور نگارنده، این نوع نگرش به امنیت که در متون کلاسیک فارسی مورد توجه بوده است، هم نشان‌دهنده عقب‌ماندگی تفکر امنیتی در ایران است و هم زمینه‌های وابستگی (مفهومی، علمی و فکری)

در مراحل بعد را آشکار می‌سازد. در واقع، اگر امروزه مطالعات امنیتی در ایران وابسته است نباید ریشه‌های این وابستگی را در بیرون جستجو کرد، بلکه باید بر زمینه‌های داخلی آن تمرکز نمود و آن را در نوع نگرش به امنیت که در نخستین مرحله از نگرش فلسفی آغاز می‌شود، یافت. به عبارت دیگر، هرچند وابستگی مفهوم امنیت به دیگر مفاهیم و وابستگی مطالعات امنیتی به دیگر، حوزه‌های مطالعاتی مسأله‌ای است که دامن‌گیر مطالعات امنیتی، حتی در غرب است و طبعاً مفهوم امنیت و مطالعات امنیتی در ایران هم که به تبع مطالعات امنیتی در غرب شکل گرفته است، در بطن خود این مشکلات را نهفته دارد، اما واقعیت این است که همین مسائل، چه در غرب و چه در ایران، ناشی از ضعف و عقب‌ماندگی تفکر فلسفی در باب امنیت است. برای اینکه این واقعیت آشکار شود، لازم است ابتدا به تأثیر نگرش فلسفی بر عقب‌ماندگی تفکر امنیتی در ایران پرداخت و سپس، به تداوم این سیر عقب‌ماندگی که وابستگی مفهومی، علمی و فکری است، اشاره کرد.

اگر امروزه مطالعات امنیتی در ایران، در بهترین وصف، «وابسته» خوانده می‌شود، این وابستگی بدون دلیل و زمینه نبوده است. برای درک بهتر دلایل و زمینه‌های این وابستگی، شناخت نوع نگرش فلسفی به امنیت کمک بسیاری به ما می‌کند. در واقع، وابستگی امنیت و مطالعات امنیتی، ریشه در عقب‌ماندگی تفکر امنیتی در ایران دارد و این عقب‌ماندگی تفکر نیز نتیجه نوع نگرش فلسفی به امنیت بوده است.

هرچند در فلسفه سیاسی اسلام و ایران، همواره «امنیت» از جایگاهی رفیع برخوردار بوده و شاید کمتر فیلسوف ایرانی و اسلامی را بتوان یافت که در کنار فضیلت‌هایی چون عدالت و آزادی، از امنیت هم یاد نکرده و حتی برای تحقق آن تلاش نکرده باشد، اما این تلاش‌ها با معنا و مبنای ایجابی امنیت که در بطن اسلام و ایمان اسلامی نهفته است، تفاوتی بنیادین داشته‌اند. واژه «ایمنی» که ریشه لغوی مفهوم «امنیت» است، در مکتب اسلام همواره مورد توجهی ویژه بوده و اساساً بنیان اسلام بر ایمان یا ایمنی استوار است (۹). شاید به همین دلیل است که با پیدایش اسلام در جامعه جاهلی عربستان، نگرش امنیتی جدیدی مبتنی بر توحید، ایمان، ولایت و سعادت شکل گرفت (۱۰) که مبنای تفکر فلسفی در اندیشه اسلامی و سپس ایرانی شد. این نگرش امنیتی، در ابتدا ماهیتی ایجابی و تأسیسی داشت (۱۱) که بر مبنای آن می‌شد به

نگرش امنیتی خاص جوامع اسلامی دست یافت و بدین ترتیب، استقلال مفهومی، علمی و فکری امنیت را بنیان گذاشت، اما تحولاتی که در جوامع اسلامی پس از رحلت حضرت رسول(ص) ایجاد شد، بنیان فلسفی امنیت را بر نگرش سلبی قرار داد که نتیجه آن عقب‌ماندگی تفکر امنیتی در اسلام و ایران شده است.

نظریه «امنیت امتی» که در نتیجه مجاهدت‌های رسول گرامی اسلام شکل گرفت (۱۲) و می‌توانست مبنای نگرش فلسفی مستقل در باب امنیت باشد، با منازعه قدرت و انشقاق جامعه اسلامی به دو مذهب شیعه و سنی، پس از رحلت ایشان، از مسیر اصلی منحرف شد. پس از این واقعه، امنیت مبتنی بر ایمان به «امنیت خلافت» و سپس به «امنیت سلطنت» مبدل گردید و در نهایت، به نظریه استیلا و تغلب تقلیل یافت (۱۳) که به تعبیری، می‌توان آن را «گذار امنیتی منفی» در مقابل «گذار امنیتی مثبت» دوران رسول‌الله(ص) نامید (۱۴). شرایط فکری و حتی سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی پس از رحلت حضرت رسول به گونه‌ای پیش رفت که نوع نگاه به امنیت به کلی تغییر یافت (۱۵) و حتی تلاش‌های حضرت علی(ع) برای بازگشت به دوران پیامبر نیز مقطعی بود و کارساز نیفتاد. حضرت علی(ع)، از یک سو، درصدد بازگشت به دوران پیامبر بود و از سوی دیگر، حفظ جامعه اسلامی و تأمین امنیت آن را در گرو عدالت می‌دانست (۱۶). در عین حال، عدالت به مثابه استراتژی برای دستیابی به امنیت، در اندیشه ایشان، در تفسیرهای تاریخی، سیاسی و فلسفی پس از آن، به راهی متفاوت تعبیر شد و راه اهل سنت و تشیع را از یکدیگر متمایز کرد. در واقع، عدالت و امنیت که پس از آن در کانون اندیشه سیاسی تشیع و اهل سنت قرار گرفتند، هم مانع شکل‌گیری نگرش فلسفی مستقل در باب امنیت و حتی عدالت در اندیشه اسلامی شدند و هم ناامنی جوامع مسلمان و منازعه میان طرفداران این دو مذهب و فرقه‌های تابعه آنها را سبب شدند.

در چنین وضعیتی بود که نگرش فلسفی در باب امنیت در نزد علما و فلاسفه اسلامی و حتی ایرانی، از مبنای ایجابی و تأسیسی اولیه فاصله گرفت و زمینه عقب‌ماندگی تفکر در باب امنیت فراهم شد. در واقع، عقب‌ماندگی تفکر در باب امنیت در فلسفه اسلامی و ایرانی، حاصل فاصله‌گرفتن از نگرش ایجابی و تأسیسی اولیه است و تلاشی که فلاسفه اسلامی و ایرانی از غزالی و ماوردی تا خواجه نظام‌الملک و خواجه نصیر طوسی انجام دادند، در نهایت، در همین

بستر معنادار شد. وضعیت نگرش فلسفی در باب امنیت را در میان مسلمانان طی این دوران می‌توان چنین بیان کرد:

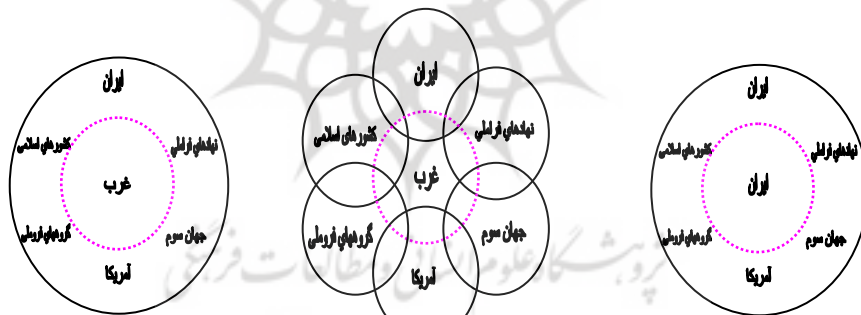
«به نظر می‌رسد از لحاظ تاریخی و در دوران میانه، برداشت غالب از امنیت در اندیشه و عمل سیاسی مسلمانان، دوری از هرج و مرج است و اندیشه سیاسی مسلمانان در این دوران، به دلایل سیاسی و معرفتی، توانایی تعریف امنیت در مفهوم مثبت و ایجابی را پیدا نکرد و در حد همان مفهوم سلبی و منفی باقی ماند. در مفهوم ایجابی، امنیت به معنای برخورداری جامعه از کلیه شرایط لازم و ضروری برای زندگی باثبات و عادلانه است که در درون آن تلاش برای آبادانی و توسعه صورت می‌پذیرد، اما معنای سلبی امنیت همانا دوری از هرج و مرج است. با تأمل در بحث‌های موجود در اندیشه سیاسی اسلامی آن دوران، حداکثر مفهومی که از آن قابل استنتاج است، همان فقدان هرج و مرج می‌باشد که برای تحقق آن نیز هیچ راهی جز حضور سلطان مطلق قاهر متصور نبوده است» (۱۷).

با شکل‌گیری چنین وضعیتی، از یک سو عدالت تحت‌الشعاع امنیت و از سوی دیگر، امنیت تحت‌الشعاع سیاست قرار گرفت و بدین ترتیب، با تقلیل سیاست به تغلب و سلطه، در عمل، امنیت که جوهره وجودی اسلام و نتیجه ایمان اسلامی بود، تحت‌الشعاع سلطه و اقتدار سلاطین و خلفا قرار گرفت. نگرش فلسفی اندیشمندان مسلمان در این دوران، چه در موافقت و چه در مخالفت، عملاً راه به جایی نبرد و بدین وسیله، عقب‌ماندگی تفکر در باب امنیت در اندیشه اسلامی و ایرانی نهادینه شد تا حتی پس از اینکه در سال‌های اخیر، نگرش علمی به امنیت نیز رواج گرفت، مبنای فلسفی محکمی که بر اساس آن بتوان بنیان استقلال مفهومی، علمی و فکری امنیت و مطالعات امنیتی را گذاشت، وجود نداشته باشد.

در واقع، وابستگی مطالعات امنیتی در ایران به مطالعات امنیتی غربی، ریشه در همین ضعف بنیان‌های فلسفی امنیت در ایران دارد. هرچند مطالعات امنیتی در ایران طی سال‌های اخیر بر اساس همین وابستگی رشد و توسعه یافته، اما این توسعه مطالعات امنیتی در ایران نوعی «توسعه وابسته» است (۱۸)؛ زیرا هرچند به لحاظ کمی شاهد رشد تعداد آثار تألیفی و

ترجمه‌ای در باب امنیت در ایران هستیم، اما در اغلب این آثار، ایران صرفاً به عنوان موضوع مطالعه محسوب می‌شود، نه به عنوان هدف مطالعه. این در حالی است که برای اینکه مطالعات امنیتی ایرانی محقق شود، لازم است ایران به عنوان هدف مطالعه مورد توجه قرار گیرد. منظور از هدف مطالعه قرارگرفتن ایران، این است که تجربه عینی ایران یا ذهنیت (فرهنگی، تمدنی، تاریخی، جغرافیایی و سیاسی) ایرانی مبنای مطالعات امنیتی قرار گیرد و از مطالعات امنیتی غرب‌محور پیش از دهه ۱۹۹۰ که در آن، تجربه عینی غرب ناشی از دوران جنگ سرد، مقدم بر ذهنیت غربی بود یا پس از دهه ۱۹۹۰ که ذهنیت غربی بر تجربه آن تقدم یافت، فاصله گرفته شود.

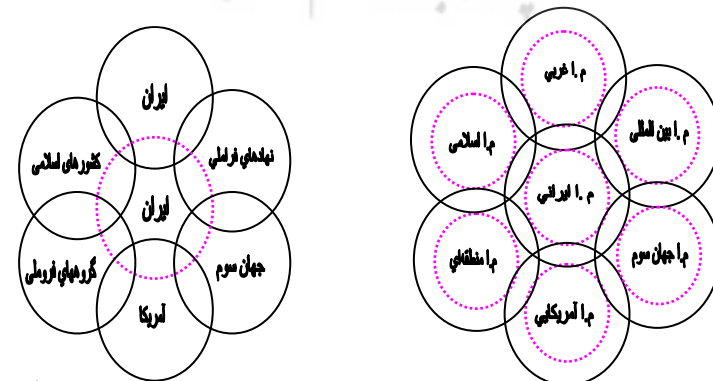
البته، تلاش برای فاصله‌گرفتن از این وضعیت در ایران (مقارن با غرب) آغاز شده است. مطالعات امنیتی در ایران از اواخر دهه ۱۳۷۰ و اوایل دهه ۱۳۸۰، به تدریج تجربه عینی یا ذهنیت ایران را جایگزین تجربه عینی یا ذهنیت غربی کرده و این روند، به‌رغم فراز و نشیب‌هایی، رو به رشد و تکامل است. این روند رو به رشد و تکامل را می‌توان به صورت نمادین در قالب اشکال زیر نشان داد:



شکل ۳

شکل ۴

شکل ۵



شکل ۶

شکل ۷

هرچند نخستین اثر با عنوان امنیت ملی در ایران، در سال ۱۳۴۱ شمسی به رشته تحریر در آمد (۱۹) و حتی از همان زمان هم در دانشگاه عالی پدافند ملی، درسی با همین عنوان تدریس می‌شد، اما مطالعات امنیتی در ایران تا پیش از سال‌های پایانی دهه ۱۳۶۰ که مراکز پژوهشی مختلف در حوزه مطالعات استراتژیک و امنیت ملی به تدریج شکل گرفتند، وجود خارجی نداشت و به حدی نرسیده بود که بتوان تا پیش از این تاریخ سخن از مطالعات امنیتی در ایران به میان آورد. در واقع، مطالعات امنیتی به عنوان حوزه پژوهشی، از اواخر دهه ۱۳۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۰ در ایران شکل گرفت و در این دوران نیز مطالعات امنیتی در ایران عمدتاً ماهیت غرب‌محور داشت.

غرب‌محوری مطالعات امنیتی در این سال‌ها، به این معنی است که هرچند ایران هم موضوع مطالعات امنیتی در این سال‌ها بود، اما اولاً توجه به موضوع ایران در این سال‌ها ناچیز بود و به لحاظ کمی تعداد آثاری که به موضوع ایران بپردازند، بسیار کم بود و ثانیاً اگر هم مطالعه‌ای با موضوع ایران صورت می‌گرفت، هدف آن، به دلیل ماهیت مطالعات امنیتی در کشور که بر اساس تجربه عینی غرب در دوران جنگ سرد شکل گرفته بود، تأمین امنیت ایران نبود. در واقع، همان‌گونه که شکل ۳ نشان می‌دهد، در اواخر دهه ۱۳۷۰، ایران نیز به عنوان یکی از موضوعات مطالعات امنیتی در کنار دیگر موضوعات مطالعاتی بود که هدف تمامی این مطالعات چیزی جز امنیت غرب نبود. با وجود این، نه تنها در باب موضوع ایران، بلکه حتی در باب موضوعات دیگر هم حجم آثار تألیفی و ترجمه‌ای بسیار اندک بود، به گونه‌ای که هیچ‌یک از این موضوعات را نمی‌شد به عنوان حوزه مطالعاتی طبقه‌بندی کرد. این وضعیت با افزایش تعداد مراکز پژوهشی و پژوهش‌گران مطالعات امنیتی در دهه ۱۳۷۰، دگرگون شد (۲۰). همچنان‌که در شکل ۴ نشان داده شده است، در طول دهه ۱۳۷۰، با وجود اینکه غرب همچنان در کانون مطالعات امنیتی در ایران قرار داشت و ماهیت وابسته مطالعات امنیتی در ایران به مطالعات امنیتی غربی، جایگزین ماهیت عقب‌مانده دهه قبل شده بود، اما گسترش کمی مطالعات امنیتی در حوزه‌های مختلف، باعث شد سخن‌گفتن از مطالعات امنیتی در موضوعات مختلفی چون ایران، جهان سوم، کشورهای اسلامی و غرب امکان‌پذیر باشد.

در نتیجه همین توسعه کمی مطالعات امنیتی طی دهه ۱۳۷۰ بود که در اوایل دهه ۱۳۸۰، شاهد تحولی مهم در ابعاد کمی و کیفی مطالعات امنیتی هستیم. در این دوران، علاوه بر افزایش تعداد آثار و محققان مطالعات امنیتی در ایران، شاهد تحول کیفی در هدف مطالعات امنیتی و جایگزینی ایران به جای غرب در کانون مطالعات مذکور نیز هستیم. با وجود این، در اوایل دهه هشتاد، همچنان که در شکل ۵ نشان داده شده است، تعداد آثاری که هدف مطالعه آنها ایران باشد، چندان زیاد نبود و به همین دلیل، چنانچه بخواهیم به مقایسه این دوران با اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ (شکل ۴) پردازیم، تنها شاهد تغییر در هدف مطالعه هستیم و به لحاظ کمی، هنوز مطالعات امنیتی ایرانی در گام‌های آغازین خود است.

از اوایل دهه ۱۳۸۰، به ویژه با تأکیدی که مراکز پژوهشی نظامی و حتی غیرنظامی در این زمینه داشتند، به تدریج مطالعات امنیتی ایرانی به عنوان گرایشی در حوزه مطالعات امنیتی در ایران برجسته شد و این برجستگی با افزایش کمی مطالعات امنیتی همراه بود. در چنین وضعیتی بود که مطالعات امنیتی در ایران و حتی مطالعات امنیتی ایرانی شایسته اطلاق عنوان «در حال توسعه» بود، اما متأسفانه این وضعیت دیری نپایید و به ویژه، با تحولی که در مدیریت کلان کشور بعد از انتخابات سال ۱۳۸۴ صورت گرفت و با جابه‌جایی مدیران مراکز پژوهشی و نوسان در بودجه پژوهشی مراکز، این وضعیت دستخوش تلاطم شد. هرچند در حال حاضر به نظر می‌رسد زمان این تلاطم‌ها و بی‌ثباتی‌ها رو به سپری شدن است و اغلب مراکز پژوهشی فعال در این حوزه، همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند، اما اثر این وقفه را در خروجی مراکز پژوهشی به خوبی می‌توان مشاهده کرد.

به هر حال، وضعیتی که در شکل ۶ به تصویر در آمده است (و البته وضعیتی بی‌ثبات و شکننده هم هست)، وضعیتی موقتی است و نمی‌توان به واسطه آن شاهد تکوین مطالعات امنیتی ایرانی بود. در واقع، وضعیت مطلوب برای مطالعات امنیتی ایرانی وضعیتی است که در شکل ۷ ترسیم شده است. در این وضعیت، نه تنها مطالعات امنیتی ایرانی به عنوان حوزه مستقل قلمداد می‌شود که تحولات امنیتی ایران را به عنوان موضوع و هدف مطالعه قرار می‌دهد، بلکه همین وضعیت را در ارتباط با دیگر حوزه‌های مطالعات امنیتی در جهان نیز شاهد هستیم. به عبارت دیگر، در وضعیت مطلوب که در شکل ۷ ترسیم شده است، ایران هم

موضوع مطالعات امنیتی است و هم هدف آن و همین وضعیت در ارتباط با مطالعات امنیتی غربی، اسلامی و جهان سوم هم وجود دارد.

برای دستیابی به این وضعیت مطلوب، طبعاً بایستی ابتدا، وضعیت موجود تثبیت شده و توسعه یابد تا بتوان سخن از مطالعات امنیتی ایرانی به میان آورد. بنابراین، مطالعات امنیتی ایرانی جز از بطن مطالعات امنیتی در ایران شکل نمی‌گیرد و تکوین نمی‌یابد و چنانچه بی‌ثباتی در مدیریت مراکز پژوهشی و نوسان در بودجه پژوهشی آنها که ارتباط مستقیم با تضعیف ادبیات مطالعات امنیتی توسط این مراکز دارد، ادامه یابد، نه تنها مطالعات امنیتی ایرانی تحقق نمی‌یابد، بلکه امکان بازگشت مطالعات امنیتی در ایران به وضعیت قبل از دهه ۱۳۷۰ (به دلیل غلبه ادبیات موجود قبل از دهه ۱۹۹۰) نیز وجود دارد. در چنین شرایطی، طبعاً دیگر نه می‌توان از مطالعات امنیتی ایرانی سخن به میان آورد و نه سخن گفتن از نظریه امنیتی ایرانی، اسلامی، جمهوری اسلامی و مانند آن امکان‌پذیر است (۲۱).

بر اساس آنچه گفته شد، مطالعات امنیتی ایرانی به معنای حوزه مطالعاتی است که هدف آن (خواه بر اساس تجربه عینی ایرانی و خواه بر اساس ذهنیت ایرانی) تأمین امنیت ایران باشد. این حوزه مطالعاتی از بطن مطالعات امنیتی در ایران قابل شکل‌گیری و تکوین است. بنابراین، توسعه کمی و کیفی مطالعات امنیتی در ایران در گسترش و تعمیق این حوزه مؤثر است. توسعه کمی مطالعات امنیتی در ایران، مقوله‌ای است که نیاز به توضیح چندانی ندارد، اما توسعه کیفی این حوزه کاملاً در ارتباط با ویژگی‌ها و نسبت این حوزه مطالعاتی با حوزه مطالعات امنیتی غربی است که باید با تفصیل و دقت بیشتری مورد بررسی قرار گیرد.

ویژگی‌های مطالعات امنیتی در ایران

نسبت مطالعات امنیتی در ایران با مطالعات امنیتی غربی، بسیاری از ابعاد و زوایای مبهم در باب این مقولات را آشکار می‌سازد و با بررسی سیر تکوین مطالعات امنیتی در ایران، می‌توان شناخت بهتری از این حوزه مطالعاتی نیز به دست آورد، اما برای اینکه شناخت دقیق و کامل‌تری از موضوع حاصل شود، لازم است علاوه بر این مقولات، به ویژگی‌های مطالعات

امنیتی در ایران نیز پرداخته شود؛ چرا که با بررسی این ویژگی‌هاست که می‌توان امکان پیدایش و تکوین مطالعات امنیتی ایرانی را نیز مورد بررسی قرار داد.

مطالعات امنیتی در ایران، به دلیل نوع ارتباط و نسبتی که با مطالعات امنیتی غربی دارد، از ویژگی‌های آن تأثیر پذیرفته و از این‌رو، ویژگی مطالعات امنیتی غربی به نوعی در مطالعات امنیتی در ایران هم انعکاس داشته‌اند. با وجود این، مطالعات امنیتی در ایران، علاوه بر ویژگی‌های مذکور، ویژگی‌های دیگری هم دارد که برای درک امکان پیدایش و تکوین مطالعات امنیتی ایرانی باید به آنها توجه داشت.

شرایط زمانی پس از جنگ جهانی دوم که با پیدایش جنگ‌افزارهای هسته‌ای و جنگ سرد میان دو ابرقدرت مقارن بود و شرایط مکانی ایالات متحده آمریکا، به عنوان کشوری که زمینه‌های آموزشی و پژوهشی شروع مطالعات امنیتی را به منظور پاسخ‌گویی به شرایط ناشی از رویارویی با شوروی فراهم کرد، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر ماهیت مطالعات امنیتی گذاشت. در نتیجه این شرایط زمانی و مکانی، مطالعات امنیتی از ویژگی‌های خاصی برخوردار شد که آن را از تبیین جامع و مانع مشکلات و تحولات امنیتی دیگر کشورها و حتی از تبیین صحیح مسائل امنیتی ایالات متحده آمریکا بازداشت. غلبه نگرش رئالیستی (۲۲)، دولت‌محوری مطالعات امنیتی (۲۳)، تقدم امنیت نظامی (۲۴)، غفلت از امور داخلی (۲۵)، تأثیرپذیری از محیط امنیتی آمریکایی (۲۶)، ضعف نظریه‌پردازی مستقل (۲۷) و کاربرد روش‌های کمی در تحلیل امنیت (۲۸)، از مهم‌ترین ویژگی‌های مطالعات امنیتی بود که در چنین وضعیتی شکل گرفت.

این ویژگی‌ها، از همان ابتدا مورد انتقاد برخی صاحب‌نظران بود، اما چون اصلاح این مشکلات مستلزم تغییر در آن فضای بین‌المللی بود که به پدیدارشدن مطالعات امنیتی با این ویژگی‌ها انجامیده بود، تا پیش از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، اصلاحات اساسی در این ویژگی‌ها صورت نگرفت و حتی پس از پایان این دوران نیز همچنان شاهد تداوم برخی ویژگی‌های مطالعات امنیتی غرب‌محور دوران جنگ سرد هستیم. همین وضعیت، باعث شده اغلب صاحب‌نظران از لزوم بازنگری در مطالعات امنیتی غربی برای تطبیق آن با شرایط جدید در جهان غرب و به ویژه برای افزایش توان پاسخ‌گویی آن در تحلیل مسائل امنیتی کشورهای غیرغربی سخن بگویند.

ویژگی‌هایی که در مطالعات امنیتی غربی وجود دارد، عمدتاً ناشی از این است که وابستگی مفهوم امنیت به دیگر مفاهیم و وابستگی مطالعات امنیتی به دیگر حوزه‌های مطالعاتی، مفروض گرفته شده (۲۹) و چون مطالعات امنیتی در ایران انعکاس و بازتاب مطالعات امنیتی غربی است، بر اساس همین مفروضات شکل گرفته است. در واقع، وابستگی مفهومی و علمی امنیت و مطالعات امنیتی، هم در مطالعات امنیتی غربی و هم در مطالعات امنیتی در ایران وجود دارد و به تبع همین مفروضات، ویژگی‌های مطالعات امنیتی غربی در ارتباط با مطالعات امنیتی در ایران هم قابل بررسی است. در عین حال، علاوه بر این ویژگی‌ها، مطالعات امنیتی در ایران نیز مانند دیگر حوزه‌های مطالعات امنیتی غیرغربی، ویژگی‌هایی دارد که از وابستگی فکری آن ناشی می‌شود.

وابستگی فکری که البته باید در ادامه وابستگی مفهومی و علمی امنیت و مطالعات امنیتی بررسی شود (۳۰)، مقوله‌ای است که خاص کشورهای غیرغربی نظیر ایران است که «موضوع» مطالعات امنیتی هستند، اما «هدف» آن نیستند. در بررسی سیر تکوین مطالعات امنیتی در ایران، به وضوح نشان داده شد که جایگاه کشورهای غیرغربی نظیر ایران در مطالعات امنیتی غربی و حتی در مطالعات امنیتی در ایران، چه تحولاتی داشته است. بر اساس این سیر تکوینی، در حال حاضر، از «غرب» به عنوان هدف مطالعات امنیتی مرکزیت‌زدایی شده و به ویژه، با رواج نگرش‌های انتقادی، دیگر تجربه عینی ناشی از دوران جنگ سرد غرب در مرکز مطالعات امنیتی نیست، اما همچنان ذهنیت غربی بر مطالعات امنیتی مستولی است و تا مادامی که تجربه عینی ایرانی یا ذهنیت ایرانی جایگزین این تجربه عینی یا ذهنیت غرب نشود، وابستگی فکری، به عنوان ویژگی برجسته مطالعات امنیتی در ایران، پایدار خواهد بود.

مطالعات امنیتی در ایران، به عنوان حوزه مادر مطالعات امنیتی ایرانی در دو بعد ساختاری و نظری، تحولات گسترده‌ای را از ابتدای شکل‌گیری تا کنون طی کرده است. در حال حاضر، به لحاظ ساختاری، مراکز آموزشی و به ویژه پژوهشی بسیاری وجود دارند که بستر توسعه مطالعات امنیتی در ایران را فراهم کرده‌اند. به واسطه همین افزایش کمی مراکز مطالعاتی بوده است که مطالعات امنیتی در ایران مراحل عقب‌ماندگی و وابستگی را تا حد زیادی پشت سر گذاشته و وارد مرحله در حال توسعه شده است. آنچه این توسعه کمی را تقویت کرده، توسعه

کیفی مطالعات امنیتی در ایران بوده که به حوزه نظری مربوط است و تحولات آن در سیر تکوین مطالعات امنیتی در ایران بررسی شد. با وجود این، مشکلات وابستگی مفهومی، علمی و فکری مطالعات امنیتی در ایران هنوز پابرجاست و مسلماً بدون تحول در ابعاد ساختاری و نظری نمی‌توان بر این مشکلات غلبه کرد؛ تحولی که امروزه هم به دلیل تغییر در مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مطالعات امنیتی در غرب و هم به واسطه ماهیت در حال توسعه مطالعات امنیتی در ایران، به الزام نظری و ضرورت تبدیل شده است.

امکان‌سنجی پیدایش و تکوین مطالعات امنیتی ایرانی

هرچند پرداختن به الزامات نظری بازنگری در مطالعات امنیتی غرب‌محور راهگشای سخن گفتن از امکان پیدایش و تکوین مطالعات امنیتی ایرانی است، اما این دو مقوله کاملاً از هم متفاوتند و به صرف وجود الزامات نظری مذکور از ناحیه مطالعات امنیتی غربی، نمی‌توان حکم به امکان پیدایش و تکوین مطالعات امنیتی ایرانی داد. در واقع، به رغم اینکه الزامات نظری مطالعات امنیتی غربی و امکان‌سنجی پیدایش و تکوین مطالعات امنیتی ایرانی، دو روی یک سکه هستند و ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر دارند، اما به صرف بررسی مورد اول، نمی‌توان تحقق دومی را مسجل دانست.

با این اوصاف، امکان‌سنجی مطالعات امنیتی ایرانی، از یک سو ریشه در همان الزامات نظری بازنگری در مطالعات امنیتی غربی دارد و از سوی دیگر، به منطق درونی مطالعات امنیتی ایرانی به عنوان یکی از گزینه‌های بدیل بر می‌گردد. آنچه به حوزه مطالعات امنیتی غربی برمی‌گردد را به عنوان شرایط بیرونی و آنچه به مطالعات امنیتی ایرانی بازمی‌گردد را به عنوان منطق درونی این حوزه باید بررسی کرد و بدین طریق، امکان یا امتناع پیدایش و تکوین مطالعات امنیتی ایرانی را مورد توجه قرار داد.

اول. شرایط بیرونی

شرایط بیرونی که به واسطه آن بتوان از مطالعات امنیتی ایرانی سخن به میان آورد، در درون مطالعات امنیتی غربی نهفته است. مطالعات امنیتی غربی امروزین با مطالعات امنیتی

غربی پیش از دهه ۱۹۹۰ تفاوت‌های بسیاری دارد و امروزه، حتی آموزه‌هایی که پیش از دهه ۱۹۹۰ برای تبیین تحولات امنیتی کشورهای غربی کاربرد داشت، دیگر کاربرد ندارد و ناتوانی مطالعات امنیتی غرب‌محور آن دوران، حتی برای تبیین تحولات امنیتی کشورهای غربی نیز به تأیید رسیده است. به واسطه همین ناتوانی مطالعات امنیتی غرب‌محور است که نگرش‌های انتقادی در قالب تاریخ‌گرایی^۱ شکل گرفت و بدین ترتیب، امکان پیدایش مطالعات امنیتی غیرغربی مهیا شد.

در واقع، تا پیش از دهه ۱۹۹۰، مفهومی از امنیت در بطن مطالعات امنیتی قرار گرفته بود که به تعبیر جیمز دردریان، حامل کل تاریخ متافیزیک غربی بود و با وجود اینکه شکل خاصی از امنیت را مد نظر داشت، اما آن را به تمام دنیا تعمیم می‌داد و بدین ترتیب، امنیت خاص خود و مبتنی بر هستی‌شناسی خود را به مثابه امنیت تمام دنیا معرفی می‌کرد (۳۱). به عبارت دیگر، مطالعات امنیتی غربی، به عنوان حوزه معرفت‌شناختی، صرفاً بر بنیاد هستی‌شناسی غربی شکل گرفته بود و حتی روش‌شناسی ملازم با همین سطوح هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی را برای تبیین تحولات امنیتی دیگر نقاط دنیا به کار می‌گرفت.

با تحولاتی که پس از دهه ۱۹۹۰ در مطالعات امنیتی صورت گرفت، از یک سو گرایش‌های محافظه‌کار کوشیدند ضمن حفظ مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مطالعات امنیتی غربی، با تحول در اصول روش‌شناختی آن به نتایج و یافته‌های جدیدی دست یابند و از سوی دیگر، گرایش‌های رادیکال و انتقادی، تحول روش‌شناختی مطالعات امنیتی را در گرو تحول هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی آن قراردادند و بدین ترتیب، بنیان مطالعات امنیتی غیرغربی را ایجاد و تقویت کردند.

نمونه گرایش‌های محافظه‌کار را در نگرش‌های پست‌پوزیتیویستی می‌توان شاهد بود که به تغییراتی در نوع نگاه به امنیت و شکل‌گیری مطالعات امنیتی نوین پس از دهه ۱۹۹۰ انجامید، اما گرایش‌های رادیکال که مبنای خود را بر جدال میان اثبات‌گرایی و تاریخ‌گرایی، به عنوان دو سنت فلسفی متفاوت نهادند، بنیاد مواجهه مطالعات امنیتی غربی و مطالعات امنیتی غیرغربی را گذاشتند و بدین ترتیب، انحصار مطالعات امنیتی به غرب را از میان بردند. البته،

این گرایش‌های رادیکال و انتقادی، تقریباً از اوایل دهه ۱۹۸۰ سخن از مطالعات امنیتی غیرغربی را با بحث درباره مطالعات امنیتی جهان سوم و کشورهای در حال توسعه آغاز کرده بودند، اما با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و اثبات ناتوانی مطالعات امنیتی غربی از تبیین تحولات امنیتی مذکور، مجال بروز و ظهور بیشتری یافتند.

بدین ترتیب، براساس آنچه گفته شد، بنیاد مواجهه مطالعات امنیتی غربی و مطالعات امنیتی غیرغربی بر مواجهه میان اثبات‌گرایی و تاریخ‌گرایی نهاده شد. در مطالعات امنیتی غربی تا پیش از دهه ۱۹۹۰، پارادایم اثبات‌گرایی غلبه داشت که مبتنی بر اصولی چون تقدم تجربه بر نظریه، نفی نسبی‌گرایی، تلاش برای یافتن قوانین عام و مشترک، تأکید بر منطق بیرونی، تفکیک واقعیات از ارزش‌ها و یگانگی زبان علمی یا وحدت علوم بود (۳۲). در حالی که پارادایم تاریخ‌گرایی که پیش از فروپاشی مطالعات امنیتی غربی (قبل از دهه ۱۹۹۰) به عنوان حوزه مقاومت در حال شکل‌گیری بود و پس از آن، به عنوان بدیل مطالعات امنیتی اثبات‌گرا مطرح شد، بر اصولی چون تقدم ذهن بر تجربه عینی، تاریخ‌مندی و نسبی‌گرایی، نفی امکان دستیابی به قوانین عام و مشترک، تأکید بر منطق درونی، عدم تفکیک واقعیات از ارزش‌ها و نفی وحدت علوم تأکید دارد (۳۳).

در واقع، مطالعات امنیتی غربی پیش از دهه ۱۹۹۰ به دلیل مبانی اثبات‌گرای آن، حتی اگر می‌خواست مجاللی برای مطالعات امنیتی غیرغربی ایجاد کند، امکان‌پذیر نبود، اما برعکس، مطالعات امنیتی تاریخ‌گرا اساساً بر تفاوت و تنوع تأکید دارد. در مطالعات امنیتی اثبات‌گرا، امنیت غربی به عنوان تجربه عینی ناشی از دوران جنگ سرد بر ذهنیت‌های غیرغربی و حتی غربی، برتری و تقدم یافته بود و تحولات عینی دوران جنگ سرد باعث شکل‌گیری ذهنیت غیرغرب و غرب از امنیت شده بود. بر این اساس، نه تنها ذهنیت‌های غیرغربی در ایجاد مطالعات امنیتی مؤثر نبودند، بلکه حتی ذهنیت غربی پیش از شروع جنگ سرد هم در مطالعات امنیتی تأثیرگذار نبود و امنیت غیرغرب و غرب، هر دو در کنار هم و از ناحیه «شرق»، به عنوان تجربه عینی مورد تهدید قلمداد می‌شدند.

در عین حال، با شکل‌گیری نگرش تاریخ‌گرایی در مطالعات امنیتی، نه تنها میان ذهنیت غرب و ذهنیت‌های غیرغربی تفاوت ایجاد شد، بلکه آنچه امنیت غرب را شکل می‌دهد نیز، نه

تجربه عینی آن، بلکه ذهنیت آن نسبت به خودش و نسبت به تهدیدهای بیرونی است. به عبارت دیگر، با جایگزینی پارادایم تاریخ‌گرایی در مطالعات امنیتی، ذهنیت غربی نه تنها شناسنده خود و دیگری، بلکه قابل شناخت توسط خود و دیگری هم هست. بر این اساس، ذهن غربی هم می‌تواند خود را بشناسد و خودآگاهی را معنادار سازد و هم می‌تواند دیگری را بشناسد و حتی می‌تواند موضوع شناسایی توسط ذهنیت‌های دیگر قرار گیرد. ترجمان این تغییر معرفت‌شناختی که خود حاصل به رسمیت شناختن هستی‌های متفاوت از غرب بود، در مطالعات امنیتی، این شد که غرب، هم می‌تواند موضوع مطالعه خودش و دیگران و هم می‌تواند هدف مطالعه برای خودش و دیگران باشد و همچنین، هستی‌های متفاوت غیرغربی، هم از یک سو می‌توانند موضوع مطالعه خود و دیگران باشند و از سوی دیگر، هدف مطالعه خود و دیگران محسوب شوند و این تحول معنایی (همچنان‌که در شکل ۷ هم نشان داده شد)، یعنی امکان‌پذیری پیدایش مطالعات امنیتی غیرغربی که مطالعات امنیتی ایرانی نیز در ذیل آن معنا می‌یابد.

با این اوصاف، امکان پیدایش مطالعات امنیتی ایرانی براساس شرایط بیرونی، یعنی براساس امکان وجود حوزه‌های مطالعات امنیتی متفاوت از غرب مهیا شده است، ولی باید دید آیا این امکان در درون مطالعات امنیتی در ایران هم وجود دارد یا خیر؟ البته، لازم به ذکر است مطالعات امنیتی پس از دهه ۱۹۹۰، تماماً در انحصار طرفداران سنت فلسفی تاریخ‌گرایی نیست و هنوز نگرش اثبات‌گرا، به ویژه به دلیل پیوند آن با منافع و امنیت غرب از هژمونی سیاسی برخوردار است و حتی با تجدیدنظرهای روش‌شناختی در قالب‌هایی چون پست‌پوزیتیویسم و غیره، به دنبال حفظ سلطه اثبات‌گرایانه خود است (۳۴).

دوم. منطق درونی

همچنان‌که در بررسی سیر تکوین مطالعات امنیتی در ایران گفته شد، این حوزه مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته تا به وضعیت کنونی رسیده است و بنابراین، اگر امروزه به دنبال تحقق مطالعات امنیتی ایرانی هستیم، در گام اول بایستی به اصلاحات لازم در حوزه مطالعاتی عام‌تر، یعنی مطالعات امنیتی در ایران بپردازیم. در واقع، هرچند وابستگی فکری مطالعات

امنیتی در ایران به مطالعات امنیتی غربی، موضوعی مهم است که برای دستیابی به مطالعات امنیتی ایرانی باید به اصلاح آن پرداخته شود و همچنان که گفته شد، امکان این اصلاح از بطن مطالعات امنیتی غربی هم فراهم است، اما توجه به زمینه‌ها و ریشه‌های داخلی این وابستگی که مربوط به اصلاح در حوزه مطالعات امنیتی در ایران است نیز نباید فراموش شود.

برای اینکه مشکلات مطالعات امنیتی در ایران نیز حل شود و امکان پیدایش مطالعات امنیتی ایرانی از بطن مطالعات امنیتی در ایران فراهم شود، در کنار تلاش برای رفع وابستگی فکری، باید به فکر تلاش برای رفع وابستگی مفهومی و علمی امنیت و مطالعات امنیتی در ایران هم بود و این مشکلات هم قابل حل نیست، مگر اینکه انحرافات که در تکوین مطالعات امنیتی در ایران صورت گرفته است، اصلاح شوند.

مهم‌ترین مشکلی که در مطالعات امنیتی در ایران وجود دارد، همان عقب‌ماندگی تفکر امنیتی در ایران است که زمینه وابستگی مفهومی، علمی و فکری را فراهم کرده است. حل این مشکل نیز در گرو بازتفسیر تفکر فلسفی اسلامی و ایرانی در باب امنیت، بر اساس همان نگرش ایجابی و تأسیسی اولیه است. در واقع، تا مادامی که نگرش سلبی و منفی از امنیت وجود داشته باشد، مفهوم امنیت همچنان در ذیل مفاهیم دیگر معنادار می‌شود و به تبع آن، مرز مطالعات امنیتی در ایران نیز از دیگر حوزه‌های مطالعاتی قابل تمیز و تشخیص نیست و همین ضعف‌ها باعث وابستگی به مطالعات امنیتی غربی می‌شود که امکان شکل‌گیری و تکوین مطالعات امنیتی ایرانی را کاهش می‌دهد.

با وجود اینکه، علت و زمینه اصلی مشکلات مطالعات امنیتی در ایران به عقب‌ماندگی و ضعف تفکر امنیتی در ایران برمی‌گردد، اما نباید چنین پنداشت که با حل مشکلات فلسفی مربوط به حوزه تفکر امنیتی تمام مشکلات قابل حل خواهد بود؛ زیرا هرچند حل این مشکل چشم‌انداز جدیدی به روی مطالعات امنیتی در ایران می‌گشاید، اما بنیان امنیت بر اساس تفکر اسلامی و ایرانی، در واقع، فقط بخشی از مشکلات را حل می‌کند و باید توجه داشت که تبدیل این تفکر فلسفی به نظریه علمی، گامی بس دشوارتر خواهد بود.

برای دستیابی به این هدف، طبعاً باید در ابعاد ساختاری و نظری مطالعات امنیتی در ایران تحول ایجاد شود. در بعد ساختاری باید مراکز دانشگاهی نیز مطالعات امنیتی را در کنار مراکز

پژوهشی در دستور کار قرار دهند و حتی مهم‌تر از آن، مراکز دانشگاهی غیرنظامی بیش از مراکز دانشگاهی نظامی وارد عرصه شوند. ورود مراکز دانشگاهی غیرنظامی، زمینه وابستگی مطالعات امنیتی به مطالعات استراتژیک را از میان می‌برد، اما در همین شرایط هم باید مراقب بود که مطالعات امنیتی در ذیل رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل قرار نگیرد، بلکه بایستی به عنوان حوزه مطالعاتی مستقل که در عین حال با حوزه‌های مذکور نیز قدر مشترک‌هایی دارد، مورد توجه قرار گیرد. همچنین، توسعه مطالعات امنیتی در ایران، مستلزم افزایش کمی توجه به این حوزه در قالب مراکز پژوهشی است که از این بعد هم نباید غفلت کرد.

در عین حال که توسعه ساختاری برای توسعه مطالعات امنیتی در ایران، به عنوان حوزه مادر مطالعات امنیتی ایرانی مهم و قابل توجه است، آنچه مهم‌تر و قابل توجه‌تر است، توسعه کیفی این حوزه می‌باشد که با توسعه ابعاد نظری امنیت و مطالعات امنیتی در ایران مرتبط است. توسعه نظری مطالعات امنیتی در ایران، مستلزم تحول در ابعاد هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی است که مقارن با یکدیگر باید مورد توجه قرار گیرند. البته، این تحولات ساختاری و نظری هم در مطالعات امنیتی در ایران آغاز شده‌اند و در واقع، همچنان که امکان پیدایش مطالعات امنیتی ایرانی از درون مطالعات امنیتی غربی امکان‌پذیر شده است، تحولات ساختاری و نظری در مطالعات امنیتی در ایران نیز زمینه‌ها و امکان تکوین مطالعات امنیتی ایرانی را فراهم کرده است که در صورت تداوم حرکت «در حال توسعه» مطالعات امنیتی در ایران، می‌توان به پیدایش و تکوین مطالعات امنیتی ایرانی امیدوار بود.

نتیجه‌گیری

مطالعات امنیتی در ایران حوزه‌ای نوپا و جدید است، اما در فاصله کوتاهی، از اواخر دهه ۱۳۶۰ تا کنون، به رشد قابل توجهی رسیده و به واسطه همین رشد قابل توجه، دیگر نمی‌توان این حوزه را «عقب‌مانده» یا حتی «وابسته» دانست، بلکه باید آن را حوزه‌ای «در حال توسعه» قلمداد نمود که به تدریج، از مدارهای عقب‌ماندگی و وابستگی فاصله می‌گیرد. در عین حال، این شرایط که مقدمه شکل‌گیری مطالعات امنیتی ایرانی است، فراهم نمی‌شود، مگر اینکه به

چند نکته اساسی توجه لازم صورت گیرد و در خلال مطالعات امنیتی آینده به آنها پرداخته شود:

یک. مطالعات امنیتی غربی به دلیل اینکه براساس تجربه عینی غرب ناشی از دوران جنگ سرد شکل گرفته و مبنایی اثبات‌گرا دارد، در حال حاضر در خود غرب هم مورد انتقاد قرار گرفته و به جای آن، مطالعات امنیتی تاریخ‌گرا که مبتنی بر ذهنیت غربی است، در حال تکوین است. این نوع مطالعات امنیتی که مبتنی بر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی متفاوتی از مطالعات امنیتی غربی پیش از دهه ۱۹۹۰ است، امکان پیدایش ذهنیت‌های غیرغربی براساس ارزش‌ها و هنجارهای تاریخی خاص جوامع مختلف و بدین ترتیب، امکان پیدایش و تکوین مطالعات امنیتی غیرغربی که مطالعات امنیتی ایرانی هم جزئی از آن است را فراهم می‌سازد.

دو. مطالعات امنیتی ایرانی، در واقع، بر مبنای «ذهنیت ایرانی» شکل می‌گیرد و معنای ذهنیت ایرانی آن است که در این حوزه مطالعاتی، همچنانکه غرب، جهان سوم و مانند آن هدف مطالعه هستند، ایران نیز می‌تواند هدف مطالعه امنیتی قرار گیرد و بر همین مبنای موضوع مطالعات امنیتی غربی یا غیرغربی نیز واقع شود. به عبارت دیگر، مبنای مطالعات امنیتی ایرانی نه جغرافیا، زبان، تابعیت ایرانی محققان، موضوع مطالعه و حتی سبک مطالعه، بلکه هدف مطالعه است. وقتی گفته می‌شود ایران هدف مطالعه باشد، به این معناست که مشخصه‌های خاصی در فرهنگ، تمدن، تاریخ و جغرافیای ایران وجود دارد که با تمرکز بر آنها می‌تواند ایرانی بودن مطالعات امنیتی را برجسته کرد. این مشخصه، چیزی جز ذهنیت ایرانی نیست که در پرتو شکستن حصار اثبات‌گرایی، امکان پیدایش یافته است.

سه. وجود نیروی مرکزگریزی به نام تاریخ‌گرایی که مبنای پیدایش مطالعات امنیتی غیرغربی و از جمله مطالعات امنیتی ایرانی شده است، تنها یک روی سکه امکان پیدایش و تکوین مطالعات امنیتی ایرانی است. روی دیگر این سکه، همان اصلاح منطق درونی مطالعات امنیتی در ایران، به عنوان حوزه مادر مطالعات امنیتی ایرانی است که باید، در درجه اول، با احیای نگرش فلسفی اسلامی و ایرانی به امنیت، سپس با اصلاح نگرش علمی بر مبنای استقلال مفهومی امنیت و در نهایت، با استقلال حوزه مطالعات امنیتی یا حداقل ایجاد تمایز

میان این حوزه با دیگر حوزه‌های مطالعاتی نظیر مطالعات سیاسی، استراتژیک و مانند آن، به صورت ایجابی و تأسیسی شکل بگیرد.

چهار. اصلاح منطق درونی مطالعات امنیتی در ایران، به معنای جایگزینی تألیف به جای ترجمه یا حتی تأکید بر مطالعات کاربردی به جای مطالعات نظری و بنیادی نیست. در واقع، چون مطالعات امنیتی ایرانی در بستر مطالعات امنیتی در ایران شکل می‌گیرد، حتی پیش از آنکه به فکر بهره‌گیری از امکان بیرونی پیدایش مطالعات امنیتی ایرانی (از درون مطالعات امنیتی غربی) باشیم، باید به فکر اصلاح نگرش‌ها و روش‌ها در مطالعات امنیتی در ایران باشیم. به عبارت دیگر، مشکل وابستگی مطالعات امنیتی در ایران، بیش از آنکه نتیجه روی‌آوری به ادبیات غربی یا آن‌گونه که برخی تأکید می‌کنند، نتیجه ماهیت ترجمه‌ای این حوزه مطالعاتی باشد، نتیجه ضعف مفهومی امنیت از یک سو و عدم شناخت مرزهای مطالعات امنیتی از حوزه‌های مطالعاتی دیگر، از سوی دیگر است. بنابراین، مشکل وابستگی مطالعات امنیتی در ایران را با جایگزینی ترجمه به جای تألیف یا دست‌کشیدن از مباحث نظری و روشی و تأکید بر مباحث کاربردی نمی‌توان حل کرد؛ زیرا در پیش گرفتن چنین روشی باعث ایجاد ضعف و سستی در مطالعات امنیتی در ایران، به عنوان بستر و زمینه مطالعات امنیتی ایرانی می‌شود و به جای اینکه گامی به جلو باشد، بازگشتی به عقب محسوب می‌شود.

پنج. در اصلاح منطق درونی مطالعات امنیتی در ایران، همانند آنچه در مطالعات امنیتی غربی اتفاق افتاده است، باید توجه داشت که تأکید بر تجربه عینی و نگرش اثبات‌گرایی، ممکن است به ویژه در ارتباط با مسائل داخلی و فراملی، دچار مشکل شود. بنابراین، حتی در اصلاح منطق درونی نیز باید به ذهنیت ایرانی بیش از تجربه عینی تقدم داد و تاریخ‌گرایی را بیش از اثبات‌گرایی یا حتی اثبات‌گرایی جدید در دستورکار قرار داد.

شش. مطالعات امنیتی ایرانی، بر هر اساس که شکل بگیرد، خواه تجربه عینی یا ذهنیت ایرانی، مترادف با نظریه امنیتی جمهوری اسلامی ایران نیست. در واقع، مطالعات امنیتی ایرانی از بطن مطالعات امنیتی در ایران شکل می‌گیرد و مؤثر بر آن است، اما خود مقدم بر نظریه امنیتی جمهوری اسلامی است و این نظریه از بطن آن و بر اساس آن قابل تحقق است.

یادداشت‌ها

۱. مشکلات وابستگی مفهومی و علمی امنیت و مطالعات امنیتی، در دو مقاله مستقل مورد بررسی قرار گرفته است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: خلیلی، رضا، «امنیت، سیاست و استراتژی؛ تقارن تحول تاریخی - گفتمانی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال هشتم، شماره ۳۰، زمستان ۱۳۸۴، صص ۷۶۴-۷۳۹؛ «تبارشناسی مطالعات امنیتی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال نهم، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۸۵، صص ۴۶۳-۴۹۰.
۲. ضرورت بازنگری در مطالعات امنیتی غربی، در مقاله‌ای مستقل با عنوان «بازنگری در مطالعات امنیتی غربی» توسط نگارنده مورد توجه قرار گرفته است.
۳. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: خلیلی، رضا، «تبارشناسی مطالعات امنیتی در ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال دهم، شماره ۳۶، تابستان ۱۳۸۶، ۲۸۷-۲۸۶.
۴. افتخاری، اصغر (گردآوری و ترجمه)، *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱، ص ۱۸.
۵. همان‌جا.
۶. به عنوان نمونه ر.ک:
 - Byman, Daniel L. and et.al, *Iran's Security Policy in the Post - Revolutionary Era*, Santamonica: Rand, 2001.
 - Chubin, Shahram, "Iran and regional security in the Persian Gulf", *Survival*, Vol.3, No.3, 1993.
 - Chubin, Shahram, *Iran's National Security: Capabilities, Intentions and Impact*, Washington D.C, The Carengie Ehdowment for International Peace, 1994.
 - Sajjad Pour, Seyed Kazem, "The evolution of Iran's National Security Doctrain", in: Kile, Shanon N. (ed), *Europe and Iran Perspectives on Non-proliferation*, Sipri, 2005.
۷. ر.ک: عبدالله‌خانی، علی، *نظریه‌های امنیت*، تهران: مؤسسه ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳.
۸. برای آشنایی با این گرایشها در مطالعات امنیتی در ایران ر.ک: افتخاری، اصغر، «ساختار اجتماعی امنیت، مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران»، در: *مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی*، احمد کاهه (گردآورنده)، تهران: انتشارات گلپونه، ۱۳۸۴، صص ۱۳۱-۸۴؛ شاکری، سیدرضا، *نظام امنیتی اسلام؛ چارچوب نظری*، گزارش علمی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.

۹. تاجیک، محمدرضا، «مدخلی بر امنیت اجتماعی / امنیت اجتماعی شده»، در: *مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی*، احمد کاهه (گردآورنده)، تهران: انتشارات گلپونه، ۱۳۷۴، ص ۸۰.
۱۰. افتخاری، اصغر، «مرزهای گفتمانی نظریه اسلامی امنیت: گذار از جامعه اسلامی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۳، صص ۴۴۱-۴۳۳.
۱۱. همان، صفحه ۴۴۲-۴۴۱.
۱۲. افتخاری، اصغر، «نشانه‌های ساختاری «امنیت اسلامی»؛ مطالعه موردی حکومت نبوی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۳، صص ۶۶۱-۶۵۵.
۱۳. قادری، حاتم، *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، چاپ سوم، تهران: سمت، ۱۳۸۰، صص ۴۵-۴۴.
۱۴. افتخاری، اصغر، «گذر امنیتی؛ تحول نظریه امنیت امتی در پی رحلت رسول خدا»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال هشتم، شماره اول، بهار ۱۳۸۴، صص ۲۰-۱۳.
۱۵. افتخاری، اصغر، «تکوین نظریه امنیت علوی؛ تحلیل دوران قبل از حکومت امام علی(ع)»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۴، صص ۲۵۱-۲۳۰.
۱۶. افتخاری، اصغر، «استراتژی امنیتی دولت علوی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۴، صص ۴۷۸.
۱۷. رنجبر، مقصود، «مفهوم امنیت در اندیشه سده‌های میانه»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال نهم، شماره ۳۱، بهار ۱۳۸۵، ص ۸۱.
۱۸. ر.ک: خلیلی، رضا، «تبارشناسی مطالعات امنیتی در ایران»، پیشین، ۳۱۱-۲۹۰.
۱۹. رضوانی، سعید، *امنیت ملی*، تهران: دانشکده عالی فرماندهی و ستاد مشترک، ۱۳۴۱.
۲۰. در حال حاضر بیش از ۲۰ مرکز پژوهشی در این زمینه فعالیت دارند.
۲۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک: خلیلی، رضا، «آسیب‌شناسی مراکز مطالعات راهبردی در ایران»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷.
۲۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک:
- Wolfers, Arnold, *Discord and Collaboration: Essays on International Politics*, Baltimore: John Hopkins University Press, 1952, p.482.
- برکوویتز، مورتون و پی. سی. باک، «امنیت ملی»، پیشین، ص ۱۰۴.
۲۳. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: مک لارن، آردی، «مدیریت امنیت ملی: تجربه آمریکا و درس‌هایی برای دول جهان سوم»، پیشین، صص ۳۳۲-۳۳۱.
۲۴. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: بالدوین، دیوید، «بررسی‌های امنیت و پایان جنگ سرد»، پیشین، ص ۱۸۹.
- Ullman, Richard, "Redefining security", *International Security*, Vol. 8, No. 2, 1983.

۲۵. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک:
-Nye, Joseph S. & Lynn – Jones, Sean M., “International security studies”, *International Security*, Vol. 12, No. 4, 1988, p.24.
- Allison, Graham & Gregory F. TREVERTON, *Rethinking America’s Security: Beyond Cold War to New World Order*, New York: W.W.Norton, 1992, p.218.
۲۶. ر.ک: بوزان، باری، «مردم، دولتها و هراس: مشکل امنیت ملی در جهان سوم»، پیشین، ص ۳۱؛ برکوویتز، مورتون و پی. سی. باک، «امنیت ملی»، پیشین، ص ۱۰۴.
۲۷. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک:
- Kissinger, Henry A., *Nuclear Weapons and Foreign Policy*, New York: Harper, 1957.
- Brodie, Bernard, *Strategy in the Missile Age*, Princeton: Princeton University Press, 1959.
۲۸. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: پارک، هان اس و کیونگ ای. پارک، «ایدئولوژی و امنیت؛ خودکفایی در چین و کره شمالی»، *امنیت ملی در جهان سوم*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۶.
- Kaplan, Morton, *System and Process in International Politics*, New York: Wiley, 1957.
۲۹. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: خلیلی، رضا، «امنیت، سیاست و استراتژی؛ تقارن تحول تاریخی - گفتمانی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال هشتم، شماره ۳۰، زمستان ۱۳۸۴، صص ۷۶۴-۷۳۹؛ «تبارشناسی مطالعات امنیتی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال نهم، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۸۵، صص ۴۹۰-۴۶۳.
۳۰. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: خلیلی، رضا، «تبارشناسی مطالعات امنیتی در ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال دهم، شماره ۳۶، تابستان ۱۳۸۶، صص ۳۲۱-۲۷۹.
۳۱. دردریان، جیمز، «ارزش امنیت در دیدگاه‌های هاین، مارکس، نیچه و بودریار»، ترجمه حمید حافظی، *فصلنامه فرهنگ اندیشه*، سال اول، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، ص ۱۹۶.
۳۲. ر.ک: بزرگی، وحید، *دیدگاه‌های جدید در روابط بین‌الملل*، تهران: نشر نی، ۱۳۷۷، صص ۱۶-۱۳؛ شولتز، ریچارد اچ، «مطالعات امنیتی ملی قبل از جنگ سرد»، *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیتی ملی*، پیشین، صص ۹۹-۶۹.
۳۳. ر.ک: بزرگی، وحید، پیشین، صص ۸۶-۸۴؛ روی گودسن، «مطالعات امنیت ملی پس از جنگ سرد»، *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیتی ملی*، پیشین، صص ۱۳۵-۱۰۱.
۳۴. ر.ک: افتخاری، اصغر، «اثبات‌گرایی پیچیده؛ روایت نوین آمریکایی از اثبات‌گرایی سنتی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ششم، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۲، صص ۳۸۱-۳۶۳.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی